

تمرکز سرکوب را از روی نیروهای پروژه‌های نفت برداریم

ksazmandeh.com/2022/10/11/همبستگی-اعتصاب-کارگران-پروژه-نفت/

کمیته عمل

19 مهر 1401



زمان مطالعه: 4 دقیقه

اعتصاب سیاسی کارگران پروژه‌های پتروشیمی و پالایشگاه: از عسلویه به آبادان

- به صدا در آمدن ناقوس «مرگ بر دیکتاتور» از حنجره کارگران پروژه‌های عسلویه به مثابه فراخوانی به سایر کارگران پیشرو بود برای پیوستن به اعتصابات سیاسی. تا پیش از این یکی از مهم‌ترین موانع پاگیری اعتصابات سیاسی، مربوط به بحران اعتبار فراخوان‌دهندگان بود؛ بیانه‌های ناشناس، طوفان‌های توییتری یا سخنرانی برخی شخصیت‌های اپوزیسیون که موجودیت سیاسی‌شان صرفاً وابسته به رانت رسانه‌های بزرگ است، نمی‌توانست چنین شکاف اعتباری را برای روشن کردن جرقه اعتصابات سیاسی جبران کند. درحالی‌که دیروز کارگران پروژه‌های عسلویه به اعتبار مبارزه و خطرپذیری‌شان در میدان عمل- گام مهمی در جهت پر کردن حداقل بخشی از این خلأ برداشتند.
- اگر کارگران بی‌ثبات‌کار پروژه‌های در عسلویه امنیتی می‌توانند «مرگ بر دیکتاتور» بگویند و جاده ببندند، چنین اقدامی در محیط‌های شهری پرجمعیت، دشواری به مراتب کمتری دارد. سدبندی خیابان‌های استراتژیک شهری [1] در ساعات اولیه صبح (به جای عصر یا شب)، یعنی در زمان تردد کارگران و کارمندان به محل کارشان، کمک زیادی به تحمیل تدریجی یک اعتصاب از بیرون می‌کند. به علاوه با این اختلال در تردد، هزینه امنیتی همراهی اتوبوس‌رانان و راهبران مترو [2] و سایر کارگران و کارمندان همدل با اعتراضات سیاسی کمتر می‌شود: توجیهاتی مثل «خیابان‌ها بسته بود» و «خطوط اتوبوس‌رانی یا مترو مشکل داشت» پوششی می‌شود برای همراهی کارگران و کمک به شروع اعتصاب به شیوه تأخیر و کم‌کاری و تعطیلی.
- اعتصاب سیاسی کارگران پروژه‌های عسلویه، در دومین روزش به پالایشگاه آبادان رسید. این نوع اعتصابات سیاسی، حتی علیرغم موقت یا یک روزه بودن [3] اگر با همین سبک و محدودیت هم در میان سایر کارگران پروژه‌های الگو شوند، امکان هل دادن جنبش کارگری به سمت اعتصابات فراگیرتر سیاسی را دارند. دقیقاً همین چشم‌انداز بود که چنان وحشت رژیم را برانگیخت که دیروز به فاصله اندکی، شماری از کارگران پروژه‌های را در معرض بگیر و ببند و سرکوب قرار داد. انفعال یا سکوت جنبش مردمی در مقابل این سرکوب، پیام خوبی را به سایر کارگران کشور مخابره نمی‌کند. در عوض اگر کارگران به چشم خود موج عظیم همبستگی با اعتصابشان را ببینند، این پیام به تمام کارگران کشور منتقل می‌شود که پیوستن‌شان با سلاح اعتصاب سیاسی، آنان را در حلقه امن حمایت عمومی قرار خواهد داد، هزینه سرکوب را برای حکومت بالا می‌برد و حتی به دیده شدن تمام مطالباتی که برایش مبارزه می‌کنند هم کمک خواهد کرد. البته بدیهی است که حمایت را نباید با تمرکز صرف بر اخبار سرکوب و بازداشت، بلکه باید از طریق همبستگی عملی در بطن اعتراضات صورت داد. چه آنکه بسیاری از کارگران این روزها مدام به بیرون از محیط کار - اکنون این نمونه اعتصاب سیاسی کارگران پروژه‌های - نگاه می‌کنند؛ میزان پیشروی و عقب‌روی‌اش را با دقت می‌سنجند و فقط در جایی که احساس کنند توازن قوا به نفع جنبش اعتراضی است و میزان همبستگی و دفاع عملی از کارگران بسیار بالاست، با سلاح اعتصاب‌شان به خیزش می‌پیوندند. به علاوه این نوع همبستگی‌های عملی، شدیداً اثرات روانی سرکوب را در اعتصاب می‌شکند.

فارغ از این کلیات ببینیم به چه اشکالی می‌توان این همبستگی را اجرا کرد؟

- درحالی‌که اعتراضات خیابانی در سه هفته گذشته فراز و فرودهای زیادی داشته، بخش دانشجویی تقریباً جزو معدود مواردی بوده که از همان روزهای ابتدایی تا این لحظه اعتصاباتش را ممتد و توفنده جلو برده. دانشگاه‌های درگیر اعتصاب به ویژه به دلیل حضور دانشجویان پیشرو و آگاه، می‌توانند جزو اولین تریبون‌هایی باشند که با سر دادن شعارهای همبستگی کارگری در تجمعاتشان، موفق به همدلی و جلب حمایت مردم با اعتصابات پروژهای‌ها شوند.
- نیروهای شاغل در واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط هم می‌توانند در جلب این همبستگی نقش بزرگی ایفا کنند. قبل‌تر اجازه دهید که بگوییم که آنچه اعتصاب عمومی را منحصر به فرد می‌کند، نه تعداد و کمیت اعتصابات، بلکه اثرات توقف کار در بخش‌های استراتژیک اقتصادی کشور است؛ بخش‌هایی که قلب حکومت را با کمترین هزینه دچار ایست می‌کنند و از کار می‌اندازند (صنایع فولادی، نفت و گاز، پتروشیمی و پالایشگاه، نیروگاه، سیمان، حمل و نقل درون شهری و سیستم نقل و انتقال کالاهای برون شهری، کارکنان خدمات شهری و غیره). وگرنه، وقوع اعتصاب در شرکت‌های کوچک خصوصی ضربه اقتصادی مستقیمی به حکومت وارد نمی‌کند و به خاطر همین تبعات محدودش هم معمولاً در آخرین مراحل به اعتصابات عمومی می‌پیوندند (یا شاید هم هرگز نپیوندند. در هر حال نقش محوری در پیروزی یا شکست یک اعتصاب عمومی سیاسی ایفا نمی‌کنند). اما...

همین کارگران شرکت‌های کوچک و متوسط خصوصی هم به لحاظ روانی می‌توانند نقش حمایتی بزرگی را در قبال اعتصابات و احدهای استراتژیک ایفا کنند. نمایش پیام همبستگی از درون این شرکت‌ها، حکم تزریق روحیه و شکستن جو ارباب را برای مناطق اقتصادی بزرگی دارد که سطح سرکوب در آن‌ها بسیار بسیار بالاست؛ مثل شرایطی که بر اعتصاب کنونی کارگران پروژهای نفت و گاز غالب است.

- این شکل از همبستگی نمادین، با کمترین هزینه امنیتی (بدون نمایش چهره و حتی بدون اشاره به نام دقیق شرکت)، می‌تواند در ساعات استراحت کاری (ناهار)، با مشارکت همکاران معتمد، در داخل دفتر کار، کارگاه یا حتی در حیاط شرکت و با ضبط پیام ویدیویی یا برداشتن بنر یا پلاکارد انجام پذیرد. این دیگر حتی همبستگی با اعتراضات خیابانی هم نیست که مخاطره خاصی به همراه داشته باشد؛ بلکه یک همبستگی صرف درون جنبش کارگری محسوب می‌شود.
- در نهایت چنانکه بارها تأکید کردیم، متوجه کردن برخی از شعارهای معترضان خیابانی به سمت کارگران (و در این مورد حمایت مشخص از کارگران اعتصابی پروژهای) به حفظ و ارتقای روحیه آن‌ها و تداوم و گسترش این سبک از اعتصابات سیاسی کمک شایانی خواهد کرد.

کمیته عمل سازمانده کارگری- 19 مهر 1401

[1] سبندی غیرانسانی، مثلاً با سطل زباله و آتش زدن لاستیک و غیره

[2] مانند اختلال در خطوط بی‌آرتی یا استفاده از دستگیره‌های اضطراری توقف مترو و ابتکارات مشابه.

[3] مشابه با معلمان که در هفته اول اعتراضات، به مدت دو روز و در هفته دوم، به مدت یک روز، اعتصاب سیاسی کردند.

مطالب مرتبط